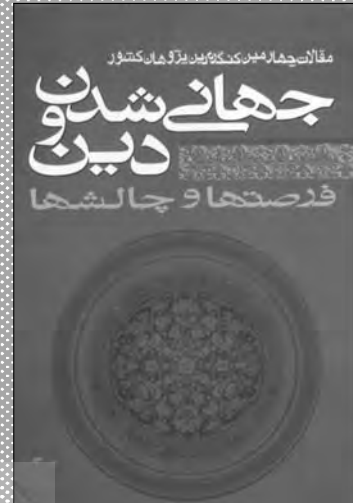


# دین و جهان آینده

مهدی مهدوی

پژوهشگر اجتماعی

Zafar1357@Yahoo.com



- جهانی شدن و دین: فرصتها و چالشها
- به اهتمام محمد جواد صاحبی
- احیاگران (قم)
- ۱۳۸۲، ۲۰۰۰ نسخه، ۵۳۶ صفحه، ۴۲۰۰ تومان

۱- رابطه نخست بر این اساس است که جهانی شدن یک فراگفتمان و با فراروایت است. دین نیز خود را در قالب یک فراگفتمان تعریف می‌کند که در این فرض رابطه امتناع همنشینی و همپوشانی میان این دو است.

۲- رابطه دوم این گونه فرض می‌شود که جهانی شدن، فرهنگها، تمدنها و ادیان را در کنار هم قرار می‌دهد. کنار هم قرار گرفتن ادیان و نظامهای معرفتی - هنجاری مطلق گرایی دینی را به شدت متزلزل می‌کند. در این حالت هر دین در واقع یک نظام معنایی است در کنار نظامهای معنایی دیگر.

۳- رابطه سوم که رابطه همنشینی و همزیستی و همیاری است مبتنی بر این منظر است که جهانی شدن راه جهانی شدن دین را هموار نموده و مجال برای تحقق تمنیات جهان شمولی آن را فراهم آورده است. در انتهای مقاله نویسنده نتیجه می‌گیرد که:

۱- جهانی شدن را باید به عنوان یک پدیده اجتماعی چند بعدی و اشتقاقی درک کرد.

۲- فرآیندهای جهانی، سازنده و واقعیت اجتماعی‌اند که این فرآیندها به مکان یا سرزمین محدود نمی‌شوند.

۳- در چنین چهارچوبی جهانی شدن دین شامل سه جنبه خواهد بود: نخست تغییر غیر قابل اجتناب هر یک از نهادهای مذهبی، دوم ایجاد ویژگیهای جدیدی در محتوای اعتقادات، مناسک و شعایر و سوم اینکه تغییرات شامل همه ادیان و مذاهب بشری است.

۴- با گسترش ارتباطات و اطلاعات اقتدار متخصصان مذهبی کاهش می‌یابد. ۵- و بالاخره جهانی شدن هم فرصت ساز است و هم تهدیدی در مقابل دین (۳۷-۴۹).

سومین مقاله از دکتر حسین کچوئیان عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.

نویسنده در ابتدا «اغتشاش مفهومی و هرج و مرج نظری» را در مفهوم جهانی شدن با مقایسه نظرات متفکرینی که درباره این مفهوم اظهار نظر کرده‌اند؛ نشان می‌دهد.

وی معتقد است در ابتدا نظریه جهانی شدن در حوزه اقتصاد و سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت. با ورود جامعه‌شناسی به این بحث حوزه فرهنگ

در شماره ۶۹-۷۰ مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و دین» در معرفی کتابی با همین عنوان که مشتمل بر مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان بود، به چاپ رسید. چندی بعد نسخه‌ای کامل‌تر از همان کتاب از سوی دبیر شورای برنامه‌ریزی دین پژوهان کشور به دفتر نشریه رسید. در نوشته حاضر، بخشی از مقالات کنگره که در نسخه قبلی نیامده معرفی می‌شود.

در مقدمه مقاله اول از دکتر خانیکی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان «جهانی شدن و دین دو روایت و چند پرسش» به دو روایت متضاد از «جهانی شدن» اشاره می‌شود. «جهانی شدن نه یک فرآیند صرفاً طبیعی و فرهنگی و نه یک پدیده صرفاً سیاسی و تصنعی است بلکه جهانی شدن یک فرآیند طبیعی است که همراه خود امکانها و فرصتهای تازه‌ای برای اراده‌های انسانی و تأسیس تصنعی امور فراهم آورده است.» (ص ۲۷) در ادامه ارتباط دین و جهانی شدن را با توجه به دیدگاه امانوئل کاستلز درباره هویت تشریح می‌کند. کاستلز در کتاب عصر اطلاعات، هویتهای فرهنگی را در سه صورت کلی «هویتهای مشروعیت بخش»، «هویتهای مقاومت» و «هویتهای برنامه‌دار» توصیف می‌کند، خانیکی نیز با استفاده از این سه صورت به قالب‌بندی هویتهای دینی در جهان معاصر می‌پردازد، هویت مشروعیت بخش الگوی کارگزاران آمریکایی است که با استفاده از الهیات مسیحی درصدد استیلا بر جهان و ساختن یک جهان یکپارچه‌اند. در مقابل، هویتهای مقاومتی مانند بنیاد گرایان دینی ظاهر می‌شوند که در برابر این الگو ایستادگی می‌کنند و همچنین جریانهای فکری که برای استقلال زنان و یا جوانان با تکیه بر روایت تازه‌ای از دین اسلام تلاش می‌کنند نیز می‌تواند گویای هویت برنامه دار مورد نظر کاستلز باشد. (ص ۲۹-۳۰) و در انتها نویسنده مقاله به پرسشها و توجهات پیش روی عالمان دین و روشنفکری دینی در فضای جدید جهانی می‌پردازد.

دومین مقاله با عنوان «جهانی شدن و دین، عرفی‌سازی یا قدسی‌سازی» از دکتر محمد رضا تاجیک است که در آن تلاش می‌شود تا از رهگذر تأمل بر خوانشهای گوناگون از پدیده جهانی شدن و دین، تصویری از روابط و تأثیر و تأثرات ممکن میان آنان ارائه گردد. نویسنده سه نوع رابطه میان این دو ترسیم کرده است.



نیز در زیر چتر مفهومی جهانی شدن واقع شد. کچوئیان در ادامه رویکرد نظریه‌های جهانی شدن نسبت به دین را به دو دسته تقسیم کرده است. نظریه‌های مارکسیستی و نظریه‌های لیبرالیستی. از بین کلاسیکها نویسنده با کارل مارکس شروع می‌کند زیرا نزد مارکس «جهانی شدن دقیقاً به همان معنایی است که نظریه‌های جهانی شدن مد نظر دارند» اگر چه مارکس سرمایه‌داری غرب را نکوهش می‌کند ولی از این جهت که

مرزهای قومی - ملی را تخریب کرده و هویت‌های محلی را از بین می‌برد به مدح و تمجید بورژوازی و سرمایه داری می‌نشیند. از آنجا که پیامدهای این تخریب انقلاب آتی ضد سرمایه داری و پیدایش حکومت جهانی بی‌طبقه کارگری است دین نیز به سبب خصلت خاص گرایانه‌اش و به سبب اینکه از ماهیت سنتی برخوردار است یا دود می‌شود و به هوا می‌رود و یا اینکه دنیایی می‌شود. «تمام آنچه صلب است پودر می‌شود و به هوا می‌رود و تمام آنچه مقدس است دنیایی می‌گردد» (۶۵). از آنجا که سرمایه‌داری به اعتبار آن بر فردگرایی و منطق نفع فردی نمی‌تواند عام‌گرایی را به صورت کامل آن متحقق سازد، به نظر می‌رسد که از دید مارکس، جهانی شدن از امحای قطعی ادیان ناتوان است، تنها زمانی که انقلاب کمونیستی رخ دهد، شرایط عینی برای حذف دین ایجاد می‌شود. (۶۷ و ۶۶)

در سنت مارکسیستی که دو قرن پس از مارکس تداوم یافته است گر چه به فرهنگ توجه کانونی‌تری شده است اما هنوز دین در حاشیه قرار دارد؛ در نظریه نظام جهانی والر اشتاین در مورد فرهنگ به طور عام و در مورد دین به طور خاص نکته در خور اعتنایی وجود ندارد. دین در نظریه ما بعد تجدد «دیوید هاروی» نیز وجهی حاشیه‌ای دارد. به نظر نویسنده این دو تن در همان سنت مارکسیستی جای دارند.

نظریه فردریک جیمسون درباره سرمایه‌داری متأخر اساساً مسئله‌ای ناظر به فرهنگ است. دین در وضعیت سرمایه‌داری متأخر حتی مکان حاشیه‌ای خود در فرهنگ تجدد را از دست داده است. جنبش‌های معنویت‌گرایی این دوره نیز سطحی و فاقد عمق‌اند و چیزی جز استمداد از نیروهای درون جهانی به ویژه روان انسان و برگشت به جریان‌های روانی نیست. در نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز، انقلاب اطلاعات و فن‌آوری باعث ساختاریابی مجدد نظام سرمایه‌داری شده است. هویت تبدیل به یکی از مسائل اساسی در این دوره می‌شود که باعث ظهور جنبش‌های مختلف در سراسر جهان است. اما جنبش‌هایی دینی ظاهر می‌شوند که «اولاً ماهیتی انفعالی دارند، چه آنها صرفاً عکس‌العملی در پاسخ به شرایط منفی سازمان دهندگان آنها هستند. ثانیاً بنا به ماهیت، جنبش‌های شکست خورده‌ای

هستند زیرا در پیوند با شرایط گذرایی شکل گرفته‌اند. تنها بایستی به انتظار پایان فرآیند ساختاریابی مجدد سرمایه‌داری و ظهور جامعه‌ای کاملاً جهانی باشیم تا عمر این جنبشها نیز به پایان رسد.» (ص ۸۵)

آنتونی گیدنز نظریه پرداز جهانی شدن روندهای جاری در جهان معاصر را با عنوان «تجدد متأخر» نامگذاری می‌کند و کاملاً مخالف هر گونه انقطاع در تجدد است و به جای سخن گفتن از مابعد تجدد از «سنت زدایی کامل از تجدد» سخن می‌گوید (ص ۸۷) دین در دوران جهانی شدن در نظریات گیدنز اگر چه محو نمی‌شود اما نمی‌تواند جای تجدد و عقلانیت را بگیرد.

کچوئیان در پایان بیان می‌کند اگر چه نظریه پردازان جهانی شدن به ناتوانی نظریات موجود در علوم اجتماعی برای بیان وضعیت جهان معاصر اذعان دارند اما به مانند نظریه پردازان تجدد به دین نگاه حاشیه‌ای دارند. «از این رو قطعاً نمی‌توان از آنها (انتظار) رویکرد درستی به دین در عصر کنونی داشت برای داشتن نظریه‌ای متفاوت در این خصوص، باید چشمی داشت که این نظریه پردازان واجد آن نیستند و بالتبع به دیگران نیز نمی‌توانند بدهند.» (صص ۵۳-۹۸)

دکتر ناصر الهی عضو هیأت علمی دانشگاه مفید به «بررسی خاتمیت و جهانی شدن با نگرش نومیالیستی و ذاتی گرایانه» پرداخته است. این مقاله «به بازسازی و بازخوانی گفتمان علامه اقبال و علامه شهید مطهری در مورد ختم نبوت می‌پردازد و مطابق با هر رهیافت، چگونگی و گستره تأثیر کارکرد دین خاتم بر روند تکوین نهادهای اجتماعی فرآیند جهانی شدن بررسی می‌شود.» (۱۰۸)

اقبال با نگرش نومیالیستی و مطهری با نگرش ذات‌گرایانه به مسئله خاتمیت پیامبر اسلام توجه کرده‌اند. جزم اندیشی حاصل نگرش ذات‌گرایانه است و انعطاف حاصل نگرش نومیالیستی است. نویسنده معتقد است اگر چه مطهری عنصر زمان و مکان را وارد نگرش ذات‌گرایانه کرده است اما این نگرش جوابگو نیست. وی در پایان مقاله بیان می‌کند «باید در مواجهه با فرآیند جهانی شدن ضمن تأکید بر هدفداری و گسترش فرهنگ توحیدی با دید کلان نگر و تحلیل سیستمی اجتهاد نمود و به پالایش و توجیه (جهت دهی) هنجارها و نهادهای اجتماعی که با سرعت زیاد در حال تغییر و تحول‌اند پرداخت.» (۱۲۶)

«جهانی شدن و فضای مذهبی» از دکتر سعید رضا عاملی استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مقاله بعدی این مجموعه است. وی در مقدمه آورده است مهم‌ترین پیامد ایدئولوژیک جهانی شدن تشدید شیب مدرنیته غرب است. (گیدنز ۱۹۹۰)

## اگر چه نظریه پردازان جهانی شدن به ناتوانی نظریات موجود در علوم اجتماعی برای بیان وضعیت جهان معاصر اذعان دارند اما به مانند نظریه پردازان تجدد به دین نگاه حاشیه‌ای دارند

### فهم نسبت جهانی شدن با فضای مذهبی، منعکس‌کننده کیفیت پاسخ جامعه دینی به جهانی شدن در قالب هویت‌های متفاوت خواهد بود

### در روند جهانی شدن ظهور نوعی از ارزشهای مشترک الهی که مورد قبول

### همه ادیان است تجلی می‌یابد مثل اندیشه

### عدالت برای همه

نقش دین در فرآیند جهانی شدن و شکل‌گیری مدرنیته مغفول مانده است و حتی به عنوان یک عامل بازدارنده مطرح شده است. البته برخی از جامعه‌شناسان مانند گیدنز (۲۰۰۱) هینس (۱۳۸۱) بیر (۲۰۰۱، ۱۹۹۸، ۱۹۹۴) ترنر (۱۹۹۴) و رابرتسون (۱۹۹۲) به تأثیرات جهانی شدن بر دین توجه کرده و تهدیدات و فرصتهایی را که برای دین در این دوره به وجود می‌آید بر خاسته از تغییراتی دانسته‌اند که در فضای عمومی و فضای مذهبی جامعه به وجود آمده است. نویسنده در این مقاله در پی تعیین نسبت جهانی شدن با فضای مذهبی و هویت‌های اجتماعی است و بازتاب‌های جهانی شدن را به طور خاص بر ظهور هویت‌های دینی جدید مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی یک فرآیند واحد جهانی شدن مطلق وجود ندارد بلکه جهانی شدن‌های متنوعی (هانتینگتون و برگر ۲۰۰۲) در حال شکل‌گیری است؛ از محوری‌ترین حلقه‌های جهانی شدن، جهانی شدن دین است به عنوان یک فرآیند معکوس جهانی شدن. (۱۳۳)

فهم نسبت جهانی شدن با فضای مذهبی، منعکس‌کننده کیفیت پاسخ جامعه دینی به جهانی شدن در قالب هویت‌های متفاوت خواهد بود (۱۳۷) «قوت فضای عمومی، منشأ تولید قدرت افکار عمومی و به عبارتی تجلی قدرت مردم است. با این نگاه قدرت فضایی مذهبی، بیانگر اقتدار و مقبولیت دین در یک جامعه است.» عاملی معتقد است روندهایی که فضای مذهبی را تهدید می‌کند شامل روندهایی است که سکولاریسم را تسریع می‌کند و همچنین روندهایی که الگوی مصرف زندگی و فرهنگ را به سمت غربی شدن تغییر می‌دهد.

(۱۴۸)

در واقع جهانی شدن از بالا موجب ظهور مقابله از پایین در شکل بنیادگرایی و نهضت‌های ملی علیه روندهای سلطه‌گر شده است. نهضت‌های اصول‌گرایانه دینی نیز نمود مهمی از جهانی شدن معکوس و یا به عبارتی جهانی شدن موازی محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین روندهای معکوس جهانی شدن است. کارگزاران انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد فضای مذهبی بودند که همه عرصه‌های فردی، سازمانی، نهادینه، مدنی و اجتماعی دین تقویت شود تا از این طریق فضای مذهبی بر جامعه ایران حاکم شود.

نویسنده در مورد آینده فضای مذهبی معتقد است

«جهانی شدن اگر چه به صورت مطلق، موجب تقویت فضای مذهبی نمی‌شود ولی به صورت نسبی، موجب قدرتمند شدن فضای مذهبی، خصوصاً در قلمرو فردی و اجتماعی آن خواهد شد.» (۱۵۹) و در روند جهانی شدن ظهور نوعی از ارزش‌های مشترک الهی که مورد قبول همه ادیان است تجلی می‌یابد به عنوان مثال اندیشه عدالت برای همه. (۱۲۹-۱۶۱)

دکتر ناصر تقوی که عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران است با مقاله «جهانی شدن و توسعه سیاسی در حکومت دینی ایران» در کنگره شرکت کرده است. مؤلف در مقدمه در پی آن است که تأثیری را که پدیده جهانی شدن در برخورد با توسعه سیاسی در کشور ایران داشته و یا خواهد داشت مورد بررسی قرار دهد.

نویسنده پس از مرور پیشینه تاریخی جهانی

شدن، ظهور این پدیده در دوران معاصر را به ظهور شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد و در حوزه سیاسی ظهور جنبش‌های اجتماعی خارج از سیستم احزاب پیوند می‌زند. (۱۷۹) تاچر با مبارزه با دولت رفاه و گورباچف با اصلاحات سیاسی اقتصادی از بازیگران مهم این عرصه بودند. (۱۸۰)

جهانی شدن حاوی جریان‌های متضاد است همان

طور که جیمز روزنا هم فرآیندهای مرزگشا و هم فرآیندهای مرزافزا

(محلّی شدن) در آن مشاهده کرده است. (۱۸۱) منتقدان این جریان را

آمریکایی شدن خوانده‌اند مخالفان اقتصادی جهانی شدن بحران‌های مالی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند. جهانی شدن نامنی (تورویسم) از پیامدهای این فرآیند است. (۱۸۳) تنوع و تعدد این پدیده باعث شده است روزنا تعریف کامل آن را زود بداند. (۱۸۴) در ادامه تقوی به تعریف مفهوم توسعه سیاسی می‌پردازد.

مشخص نیست موضوع این مقاله چه ارتباطی با دین و جهانی شدن دارد؟ دکتر حمید رضا طالقانی که پزشک و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است نیز مقاله‌ای با عنوان «فرآیند جهانی شدن در دو نگاه» در کنگره ارائه کرده است.

نویسنده محققین حوزه جهانی شدن را به سه دسته تقسیم می‌کند: حامیان و

## جهانی شدن حاوی جریان‌های متضاد است همان طور که جیمز روزنا هم فرآیندهای مرزگشا و هم فرآیندهای مرزافزا (محلّی شدن) در آن مشاهده کرده است

## پیمان‌های ایدئولوژیک، تشکیل بازارهای متنوع اسلامی، تأسیس بانک بین‌الملل اسلامی و غیره بی‌تردید معادلات نظام سلطه را در مواجهه با تمدن اسلامی بر هم می‌ریزد

موافقان این روند که جرج نحاس یکی از این افراد است. مخالفان جهانی شدن که اندیشمند فرانسوی ژان بودریار در این دسته قرار می‌گیرد و گروه سوم که منتقدین‌اند ضمن استقبال از پیامدهای مثبت این فرآیند پیامدهای منفی آن را جهت کنترل گوشزد می‌کنند که نویسنده این دسته را در ذیل همان دسته اول یعنی حامیان قرار می‌دهد. (۱۹۹-۲۰۱) در ادامه به تشریح دیدگاه‌های آنان از طریق افراد شاخصی که در بالا نام برده شده، می‌پردازد.

در انتها نویسنده به تعریف جهانی شدن و راه‌گریز از آن پرداخته است «محور اصلی گفتمان در فرآیند جهانی‌سازی، تسلط یک فرهنگ بر جهان و امحای تنوع فرهنگی است که نتیجه محتوم آن، ایجاد فرهنگ سلطه و مصرف‌گرایی است. (۲۱۶) ... مسلمین برای مصون ماندن از این سلطه، راهی جز هم‌گرایی تمدنی و کاهش بحران‌های منطقه‌ای و همسو کردن سیاست‌های کلان در جهان اسلام در پیش رو ندارند. پیمان‌های ایدئولوژیک، تشکیل بازارهای متنوع اسلامی، تأسیس بانک بین‌الملل اسلامی و... بی‌تردید معادلات نظام سلطه را در مواجهه با تمدن اسلامی بر هم می‌ریزد.» (۲۱۹)

کتاب به لحاظ نگارش عمدتاً دارای نثری روان و رسا بوده و قواعد ویرایش و نگارش در آن رعایت شده است. به لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد کتاب دارای کیفیتی مطلوب است. گرچه در برخی موارد در تایپ کلمات و نوشتن معادله‌های فارسی در مقابل واژگان لاتین کم‌دقتی شده است. برای مثال در واژه‌نامه، «توسعه پایدار» در مقابل «Integrate development» تایپ شده و «توسعه یکپارچه» در برابر «Sustainable development» آورده شده است. از آنجا که درس جامعه‌شناسی توسعه در دوره کارشناسی دو واحدی است، لذا حجم کتاب با تعداد واحدهای درسی متناسب است.

علاوه بر مقدمه و نتیجه‌گیری کلی هر فصل نیز به‌طور مجزا دارای مقدمه و نتیجه‌گیری است، اما جای فهرستهای اعلام و موضوعی در این اثر خالی

جامعه‌شناسی توسعه با هدف ارائه موضوعات مختلف به دانشجویان درس جامعه‌شناسی توسعه و سپس کارشناسان و پژوهشگران و دست‌اندرکاران توسعه تهیه شده است. حجم کتاب با توجه به تعداد واحد درسی همان‌طور که پیش از این گفته شده مطابقت دارد. اما حجم آن برای کارشناسان و پژوهشگران می‌باید افزوده شود. مطالب می‌باید با مدارک و اسناد بیشتری آورده شود. همچنین موضوعات مورد بررسی نیز می‌باید گسترش بیشتری یابد. برای مثال جای دو نظریه که امروزه در مباحث توسعه به آنها توجه خاصی می‌شود، یعنی نظام جهانی (World - System) و جهانی شدن (globalization) خالی است. امید است که حداقل به‌طور مختصر این دو نظریه برای آشنایی بیشتر دانشجویان با مباحث امروزی در عرصه جامعه‌شناسی آورده شود.

یکی از مباحثی که در کتاب لازم است که به آن توجه شود تحولات فکری نظریه‌پردازانی است که هنوز در قید حیات‌اند و یا در سالهای اخیر درگذشته‌اند. این نظریه‌پردازان در اثر تحولات در معادلات بین‌المللی همچون سقوط شوروی سابق و پدیده جهانی شدن و نظم نوین جهانی در آراء و نظریات خود جرح و تعدیل و اصلاحاتی را به وجود آورده‌اند که از آن جمله می‌توان از گوندر فرانک، سمیر امین یاد کرد.

به نظر می‌رسد که نظم فصول کتاب می‌تواند بهتر شود. اگر که فصل پنجم کتاب «رویکردهای قدیمی و نو توسعه» یا با فصل سوم «نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه» ادغام گردیده و یا بعد از آن بیاید. در واقع الگوهای ارائه شده در فصل پنجم منتج از نظریات ارائه شده در فصل سوم است که می‌توانند در ذیل هر یک از نظریات ارائه شوند. این امر در فهم بهتر و کاربرد نظریه‌ها مؤثر است. در غیر این صورت، پیش از بیان «موانع توسعه در کشورهای در حال توسعه» بهتر است که این الگوها ارائه شوند و بعد از «موانع توسعه کشورهای در حال توسعه» به مسائل ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی) پرداخته شود.

در فصل ششم نویسنده کتاب به مطالعه اجمالی ایران پرداخته و به‌طور مختصر برنامه‌های توسعه در قبل و بعد از انقلاب را مورد بررسی قرار داده است. اگر این برنامه‌ها با ارائه آمارهای مختلف موجود در ایران و سازمان‌های بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد مورد تحلیل قرار گیرد به‌طور مؤثری به شناخت اوضاع ایران در ارتباط با توسعه کمک خواهد نمود. در تألیف کتاب از منابع مختلف فارسی و لاتین استفاده شده است که عمده آنها از منابع مهم حوزه جامعه‌شناسی توسعه محسوب می‌شود. البته با استفاده بیشتر از آثار منتشر شده در دهه آخر قرن بیستم و سالهای آغازین هزاره سوم میلادی می‌توان بر غنای کتاب افزود.

دیدگاه نویسنده متأثر از نظریات وابستگی و صورت‌بندی اجتماعی است. بر همین اساس نیز به بحث درخصوص موضوعات مورد علاقه کتاب پرداخته شده است. اگر چه در پایان فصل سوم در ذیل عنوان «به سوی نظریه‌ای جامع برای توسعه» به‌طور مختصر رئوس محورهای یک نظریه جامع بیان شده و همچنین ذکر شده که نمی‌توان نسخه‌ای پیش ساخته برای تمامی کشورهای جهان سوم ارائه نمود، اما از آنجا که نویسنده کتاب خود معتقد به نظریه‌ای در باب توسعه است، لذا بهتر است که نظریه مورد نظر خود را به‌طور مشخص بیان و از آن دفاع کند تا خوانندگان و بخصوص دانشجویان در لابه‌لای سطور بعدی کتاب متوجه ایستار نویسنده و نحوه تبیین و توضیح مباحث توسعه باشند. این به تقویت توان تحلیل و تبیین دانشجویان کمک فراوانی می‌نماید.

## در مباحث نظری همچون نظریات مختلف کلاسیک و جدید در صورتی که وجوه تشابه و افتراق براساس محورهای عمده

### در نظریه‌پردازی توسعه در جداول آورده می‌شود، می‌توانست به درک و فهم و مقایسه بین نظریات مختلف کمک شایانی بکند

### از آنجا که نویسنده کتاب خود معتقد به

### نظریه‌ای در باب توسعه است، لذا بهتر است که

### نظریه مطلوب خود را به‌طور مشخص بیان و از آن دفاع کند

است. در تهیه کتاب از منابع فراوانی استفاده شده که در فهرست منابع آورده شده‌اند اما در برخی جاها در تنظیم نظم زمانی انتشار مقالات و کتب یک نویسنده دقت کامل نشده است (برای مثال درخصوص سمیر امین این نظم رعایت نشده است) که می‌تواند در چاپهای بعدی تصحیح گردد.

### بررسی محتوایی اثر

اصطلاحات تخصصی در اثر فوق‌الذکر به نحوه مطلوبی به کار رفته است. مفهوم توسعه و مفاهیم مرتبط با آن همچون رشد، ترقی به دقت مورد استفاده قرار گرفته و وجوه تشابه و تمایز آنها روشن شده است. معادله‌های به کار رفته در کتاب برای مفاهیم تخصصی لاتین مورد استفاده در سایر کتب جامعه‌شناسی و بالاخص جامعه‌شناسی توسعه می‌باشند و معادل‌سازی جدیدی صورت نگرفته است. از آنجا که در کتب درسی درک مفاهیم و موضوعات حائز اهمیت است، لذا استفاده از ابزارهای علمی‌ای همچون بحث مقدماتی، جمع‌بندی‌نهایی، آزمون و جداول و امثالهم دارای اهمیت خاصی است. در کتاب سعی شده است که از این ابزارها استفاده شود. البته در مباحث نظری همچون نظریات مختلف کلاسیک و جدید در صورتی که وجوه تشابه و افتراق براساس محورهای عمده در نظریه‌پردازی توسعه در جداول آورده می‌شود، می‌توانست به درک و فهم و مقایسه بین نظریات مختلف کمک شایانی بکند.

همچنین در فصل چهارم که مربوط به موانع توسعه در کشورهای در حال توسعه است. اگر جداول برخی از کشورهای در حال توسعه براساس شاخصهای مورد نظر نویسنده آورده شود می‌تواند به درک و تفهیم مطالب به خوانندگان